

بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور بر کیفیت نظارت همگانی (با تأکید بر نقش مطبوعات استان هرمزگان)

آبتین امیری*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۰۹

چکیده

امروزه یکی از عوامل تأثیرگذار در آزادی های اساسی جوامع، میزان پابندی آنها به آزادی مطبوعات است. میثاق های جهانی، آزادی مطبوعات را به عنوان یکی از معیارهای گسترش حق نظارت عمومی تعیین کرده، و کشورهای عضو را به پذیرش تعهدات خود در این خصوص فراخوانده اند.

بررسی رابطه ی آزادی مطبوعات با حق نظارت همگانی، و تأثیر سانسور بر این حق موضوعی بوده که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق ضمن ارائه ی تعریف مطبوعات، جایگاه سانسور در قانون اساسی برخی کشورها ارزیابی شده و نواقص قانون مطبوعات و تأثیر سانسور بر آن، در ایرانمورد تحلیل قرار گرفته است.

در ادامه ی این تحقیق با بررسی میدانی در استان هرمزگان، تأثیر آزادی مطبوعات بر حق نظارت شهروندان در این استان مورد ارزیابی قرار گرفته است. در نهایت، نتیجه گیری شده که ایجاد تعادل میان قوانین نظارت بر مطبوعات و آزادی عمل مطبوعات، به رعایت هر چه بیشتر حق نظارت مردمی می انجامد.

کلید واژه ها: نظارت همگانی، قانون مطبوعات، آزادی های

*کارشناس ارشد. LAVAN1350@GMAIL.COM

حقوق، بندر خمیر

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو نوع ابراز نظارتی برای کنترل دستگاه های دولتی وجود دارد؛ یکی از این ابزارها، نظارت های حاکمیتی است که توسط دستگاه های دولتی صورت می گیرد و دومین ابزار، نظارت همگانی است. هر چند که قانون اساسی ایران ابزارهای نظارت همگانی را شفاف نکرده است، اما از اصول مبتنی بر حقوق ملت و اصل آزادی بیان در قانون اساسی ایران، می توان برداشت کرد که رسانه ها و مطبوعات ابزارهایی هستند که امکان آگاهی بخشی عمومی و تحقق اصل نظارت همگانی را بر دولت و اجزای حاکمیت فراهم می کنند. در مقابل، آزادی اندیشه و بیان در هیچ کشوری بدون محدودیت نیست و هر قانونی بنا به مصلحت جامعه ای که در آن اجرا می شود، مرزهایی برای محدودیت آزادی اندیشه و بیان در آن معین شده است تا این آزادی اندیشه و بیان به اصول مسلم دیگر آن قانون مثل مصلحت افراد، مصلحت عمومی، استقلال کشور و... ضربه نزنند.

ممیزی و محدودیت های مرتبط با مطبوعات به عنوان ابزار نظارت همگانی، در کشورهای مختلف دارای مرزهای شناور است. خود این مرزها، از حساسیت اصل موضوع و ایجاد تعادل و توازن میان آزادی اندیشه و بیان، و تحقق اصل نظارت همگانی به عنوان یک حق عمومی و حفظ مصالح جمعی یک ملت حکایت دارد.

در این مقاله به این موضوع اشاره شده است که اولاً، اصل نظارت همگانی با چه ابزارهایی می تواند مؤثر واقع شود و کارکرد واقعی خود را به دست آورد. ثانیاً، آیا اصل ممیزی و محدودیت قانونی موجود در مطبوعات توانسته راه نظارت همگانی را هموار کند، یا برعکس در مقطعی به سانسور اخبار و اطلاعات مورد نیاز که مرتبط با آگاهی عمومی می باشد، ختم شده است؟

طبیعی است که در هر جامعه‌ای علاوه بر ابزارهای قانون گذاری، نوع نگاه مسئولین مربوطه و دستگاه‌های اجرایی و ترویج فرهنگ پاسخگویی، نقش مهمی در تحقق اصل نظارت همگانی دارد. مهم این است که اجزاء حاکمیت، این اصل قانونی را به عنوان یک حق عمومی به رسمیت بشناسند و خود را نسبت به آن متعهد بدانند؛ چرا که صرف تصویب قوانین به تنهایی نمی‌تواند به آزادی عمل مطبوعات و ایفاء نقش آنها، در آگاهی بخشی جامعه و اجرای نظارت کمک نماید.

«مونیک شیمیلیه» در این خصوص می‌گوید: «هر چند قوانین به نوبه‌ی خود از همین فراوانی برخوردارند و شالوده‌ی آزادی مطبوعات و آگاهی عمومی هستند، اما نوع نگاه دستگاه قضایی و اداری یک کشور است که کیفیت اثر بخشی قوانین و حرکت بر مبنای روح قانون را مشخص می‌کند؛ لذا اگر این دیدگاه‌ها در مورد آزادی مطبوعات محدود کننده باشد، اصل نظارت عمومی دچار خلل می‌شود؟» (شیمیلیه، ۱۳۸۷: ۴۲).

این نکته ایست که در این پژوهش‌بدان توجه شده است تا به موازات بررسی قانونی آزادی مطبوعات و حدود آن، اثر بخشی قانون هم بر مخاطبان مورد توجه قرار گیرد.

مبانی نظری

۱ نظریه آزادی بیان و حاکمیت^۱

«مونیکشیمیلیه» در اثر «بشریت و حاکمیت‌ها» می‌نویسد:

«انسان از دیرباز در جستجوی آزادی بوده و ملت‌ها همواره به دنبال ابزاری برای نظارت بر حاکمیت‌ها بوده‌اند. فساد و انحراف حاکمیت‌ها، بزرگترین معضل تاریخ بشر و مانعی عظیم در مسیر تکامل او بوده است اما انسان مدرن، امروزه این فرصت را دارد که در سایه‌ی تحولات تکنولوژی، از رسانه‌های مکتوب و الکترونیکی ابزار نظارت استفاده کند. ممکن است دولت‌ها برای حفظ مصلحت عمومی، ناچار به تصویب محدودیت‌هایی در مورد رسانه‌ها شوند، اما روح

¹The idea of freedom of expression and sovereignty

کار باید برتری آزادی مطبوعات باشد و شهروندان فرصت نظارت بر حکام را پیدا کنند و این باید به عنوان یک اصل مطرح باشد نه یک فرع.» (همان: 49).

زمینه‌های تحول ذهنی، مردم معاصر را برای آگاهی و مسئولیت پذیری در سایه ی آزادی مطبوعات مورد بررسی قرار می‌دهد. «شمیلیه» با بررسی اجمالی جایگاه ممیزی در قانون چند کشور توسعه یافته، به بررسی تجربه ی آنها در بحث ممیزی مطبوعات می‌پردازد و در نهایت، این نظریه را ارائه می‌دهد که ممیزی‌ها باید واقعی و به دور از هر گونه ابهام و کلی‌گویی باشند تا مانعی فرا قانونی در سیر آزادی ایجاد نکنند.

2- نظریه سرمایه اجتماعی^۲

به نظر «جیمز کلمن»، سرمایه اجتماعی مانند دیگر اشکال سرمایه‌ی مولد است و امکان دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست‌یافتنی است، فراهم می‌آورد. «کلمن» سازمان اجتماعی را پدیدآورنده ی سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند و آن را با کارکردش تعریف می‌کند. از نگاه او سرمایه‌ی اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: 1- شامل جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند. 2- کنش‌های معین کنشگران جمعی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. سرمایه‌ی اجتماعی سبب می‌شود تا هزینه‌های دستیابی به اهداف معینی کاهش یابد؛ هدف‌هایی که در نبود سرمایه‌ی اجتماعی دستیابی به آنها، تنها با صرف هزینه‌های زیاد ممکن می‌شود. کلمن این گونه بر سودمندی سرمایه‌ی اجتماعی تأکید می‌ورزد: منبعی برای همکاری، روابط د و جانبه و توسعه اجتماعی. به اعتقاد کلمن عواملی که سبب گسترش سرمایه اجتماعی می‌شوند عبارتند از: کمک، ایدئولوژی، اطلاعات و هنجارها.

کمک: درخواست کمک افراد از یکدیگر، مقدار سرمایه‌ی اجتماعی را بیشتر خواهد کرد. هرگاه عواملی مانند رفاه و فراوانی و کمک دولت سبب شود تا افراد نیازشان به یکدیگر کمتر شود، میزان سرمایه‌ی اجتماعی کمتر خواهد شد.

ایدئولوژی: اعتقاداتی مانند لزوم کمک به یکدیگر یا عمل به سود دیگریسبب پدید آمدن سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود؛ از این رو، آن دسته از اعتقادات مذهبی که بر ضرورت کمک و عمل به نفع دیگران تأکید دارند، عامل مهمی در شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی هستند.

اطلاعات: از نظر کلمن یکی از صورت‌های مهم سرمایه‌ی اجتماعی، ظرفیت بالقوه‌ی اطلاعات است که جزء ذاتی و جدایی‌ناپذیر روابط اجتماعی است. اهمیت اطلاعات در فراهم ساختن بنیان‌کنش است؛ اما به دست آوردن، هزینه دارد. ساده‌ترین چیزی که برای کسب اطلاعات لازم است، توجه می‌باشد که همیشه اندک است. یکی از ابزارهایی که از طریق آن می‌توان اطلاعاتی حاصل کرد استفاده از روابط اجتماعی است؛ اطلاعاتی که از طریق این روابط حاصل می‌شود کنش را تسهیل می‌بخشد.

هنجارها: اگر در درون گروه‌های اجتماعی هنجارهای مؤثر و نیرومندی وجود داشته باشد؛ مبنی بر اینکه فرد بایستی منافع شخصی خود را رها کند و به سود جمع عمل نماید، سرمایه‌ی اجتماعی شکل خواهد گرفت.

بیان مسئله

مطبوعات کشور ما، از قانون مطبوعات ایران که در سال 1354 تصویب شده است، پیروی می‌کنند. این قانون مبتنی بر تشریح حریم مطبوعات و اشاره به مواردیست که اصول پایه‌ای آزادی اندیشه و بیان را به رسمیت می‌شناسد. همچنین در این قانون به نقش مطبوعات در آگاهی بخشی و تعالی مردم اشاره شده است.

در همین قانون محدودیت‌هایی که مطبوعات ملزم به رعایت آن هستند، به طور کلی ارائه شده و برای این محدودیت‌ها ممیزی تعیین شده است. بسیاری از موارد که در قانون مطبوعات کشور ما آمده است، کلی بوده و راه را برای تفسیر و تا حدی سلیقه باز گذاشته است. اما می‌توان برداشت کرد که محدودیت آزادی و ممیزی مطبوعات در کشور ما بر پایه ی محدودیت آزادی قانونی در کشور است که شامل همه‌ی رسانه‌ها و احزاب می‌شود. این آزادی بر پایه ی رعایت اصول و منافع یک کشور قرار دارد. با وجود این محدودیت‌ها، قانون اساسی بخش زیادی از این نظارت - نظارت بر دستگاه‌های حاکمیتی - را بر عهده‌ی نظارت همگانی می‌گذارد و از رسانه‌ها و مطبوعات به عنوان رکن آگاهی بخشی برای این نظارت یاد می‌کند.

قانون اساسی ایران، مشارکت جمعی، آگاهی عمومی و حق انتقاد را به عنوان اصلی از حقوق ملت و حقی عمومی به رسمیت می‌شناسد و همین موضوع مسئولیتی سنگین را بر دوش مدیران، نمایندگان مجلس و قضات قرار می‌دهد تا جنبه‌های آگاهی بخشی مطبوعات را به عنوان یک حق عمومی در نظر بگیرند و از هرگونه اقدامی که به محدودیت قدرت مطبوعات در عرضه یا اطلاع رسانی و آگاهی بخشی ختم می‌شود، جلوگیری کنند.

آنچه که قابل توجه این مقاله است، بررسی این اثر بخشی توسط مطبوعات، و کیفیت رفتاری دستگاه‌های مرتبط با آن است تا مشخص شود محدودیت‌ها و ممیزهای قانونی عملکرد دستگاه‌های حاکمیتی، تأثیری بر رسالت آگاهی بخشی و مطبوعات برای مردم به همراه داشته است یا خیر؟

اهمیت موضوع

«مونیک شیملیه» در کتاب «بشریت و حاکمیت‌ها» می‌نویسد:

«اثر بخش مطبوعات مستقل، با هیچ ابزار دیگری قابل جابجایی نیست. دولت حق دارد مطبوعاتی را برای گزارش عملکرد خود به مردم در اختیار داشته باشد، اما آنچه که اصل نظارت همگانی و مبارزه با فساد در یک کشور کمک می‌کند، آزادی عمل مطبوعات مستقل است. محدودیت‌ها و ممیزی بر مطبوعات، چالشی است که باید حاکمیت‌ها آن را حل کنند؛ زیرا آزادی اطلاعات

ممکن است آسیب‌هایی به یک جامعه بزند؛ اما اثر آن در تولید مسئولیت‌پذیری مردمی و آگاهی بخشی چنان عمیق است که باید این آزادی مورد حمایت جدی قرار گیرد. « (شمیلیه، 1387: 71).

از آنجا که کشور ما تجربه‌ی متفاوتی از آزادی مطبوعات دارد؛ بازنگری علمی، در کارایی و واقع‌گرایی ممیزی بر مطبوعات و نقش مطبوعات در آگاهی بخشی عمومی و اصل نظارت همگانی، موضوعی است که می‌تواند قابل توجه پژوهشگران قرار گیرد. هر چند در این مسیر تحقیق‌های مناسبی صورت گرفته است؛ اما وسعت و اهمیت موضوع و ابهام و خلأهای قانونی موجود در قانون مطبوعات کشور، ضرورت پژوهش‌های بدیع را در این حوزه آشکار می‌سازد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق چنین بوده است: بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور، بر کیفیت نظارت همگانی.

اهداف فرعی این تحقیق عبارتند از:

بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور، بر مسئولیت‌پذیری شهروندان.

بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور، بر میزان آگاهی شهروندان.

بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور، بر کیفیت مراجعات عمومی به نهادهای نظارتی به وسیله‌ی شهروندان.

روش تحقیق و جامعه آماری

روش تحقیق در این پژوهش به صورت پیمایشی^۳ بوده و از روش اسنادی^۴ بنا به ماهیت پژوهش استفاده شده است. اطلاعات و داده‌ها از گروه‌های مشابه و همسان و به شکل هدفمند جمع

³ Survey

² Materials and documents

³ Likert scale

آوری شده و این داده‌ها در نهایت مورد تحلیل قرار گرفته است. در این روش نتایج برآمده از داده‌ها در جمعیت مورد بررسی، قابل تعمیم می‌باشد.

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. محقق از پرسشنامه‌ی «شاخص توصیف آگاهی» استفاده نموده و مقیاس لیکرت^۶ برای سنجش، مدنظر قرار گرفته است.

جامعه‌ی آماری این پژوهش شه‌روندان بندرعباسی است؛ شه‌روندانی که در طول ۵ سال اخیر با مطبوعات محلی استان هرمزگان در ارتباط بوده و آن را مطالعه نموده‌اند. پرسشنامه‌ها در حجم نمونه ۱۴۲ توزیع شده ($n = 142$)؛ و روش نمونه‌گیری هدفمند بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز بر اساس بسته‌ی نرم‌افزاری SPSS صورت گرفته است.

روایی پرسشنامه

روایی شکلی^۶ و محتوای پرسشنامه مورد تأیید چندتن از اساتید علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور بوده است. پایایی پرسشنامه از طریق آلفایکروباخ ۰/۸۹ به دست آمده است.

تعریف مطبوعات

الف) از دیدگاه لغوی و اصطلاحی

«مطبوعات با توجه به ریشه‌ی لغوی آن (طبع و چاپ) به معنای هر چیزی که به زیور طبع آراسته شود به کار رفته است؛ اما مطبوعات در مفهوم خاص و در معنای مصطلح امروزی، به معنای کاغذ اخبار یا روزنامه و اقسام آن شامل هفته‌نامه، ماهنامه، فصلنامه و ... با خصوصیات چاپ ادواری و نام ثابت به کار رفته است.» (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۵: ۲۱).

ب) از دیدگاه قانونی

^۶Facevalidity

^۲Mass Media

تا تصویب اولین قانون مطبوعات ایران در سال «۱۳۳۱»، مطبوعات در معنا و مفهوم عام خود به کار می‌رفت. در دومین قانون مطبوعات ضمن تعریف، آنرا در مفهوم خاص خود به کار بردند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مطبوعات در مفهوم خاص خود به کار رفت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با به کار بردن عنوان مطبوعات در کنار عناوینی نظیر رسانه های گروهی (در اصل ۱۵) و یا نشریات (در اصل ۲۴)، قصد استعمال مطبوعات در مفهوم خاص خود را داشته است (نشریات ادواری). در نتیجه، با این تفسیر به نظر می‌رسد مفهوم جرائم مطبوعاتی مندرج در اصل ۱۶۸ قانون اساسی را نیز باید محدود به جرائم ارتكابی از ناحیه ی مطبوعات، در مفهوم اخص آن (نشریات ادواری) دانست.

جرم مطبوعاتی چیست؟

«مطبوعات، تنها وسیله ی ارتكاب معدودی از جرائم می‌توانند باشند؛ به طور مثال، با مطبوعات نمی‌توان مرتکب قتل یا جرح یا سرقت یا تخریب شد؛ ولی همین وسیله می‌تواند محرک اینگونه جرائم یا وسیله ی ارتكاب جرائم علیه شخصیت معنوی افراد یا امنیت کشور باشد.» (همان: ۲۵).

«تفکیک جرم مطبوعاتی از جرم عادی، و سخت‌گیری بیشتر نسبت به آن، به دلیل قدرت ذاتی و تخریبی و خصیصه ی انتشار و تکرار و بقای اثر آن می‌باشد. از طرف دیگر، ارفاق به مطبوعات را باید به دلیل احترام به اصل آزادی بیان و آزادی انتشار مطبوعات و مصونیت اصحاب قلم دانست، حمایت در مقابل هیئت حاکمه و نیز تخلفات احتمالی ناشی از خصیصه ی سرعت کار مطبوعاتی.» (همان: ۲۹).

این قبض و بسط به این دلیل مهم است که جرم مطبوعاتی نسبت به جرائم عادی از تخفیف در مجازات و رسیدگی برخوردار می‌باشد. اینک ارتكاب هر جرم مصرح در قانون مجازات اسلامی و سایر مقررات جاری، مشروط بر اینکه مطبوعات ابزار و وسیله ی ارتكاب آن باشد جرم مطبوعاتی تلقی می‌شود.

تأکید قوانین اساسی عموم کشورها بر ممنوعیت سانسور

اهمیت جلوگیری از سانسور مطبوعات و رعایت ممیزی حداقلی، به حدی است که در اکثر قوانین اساسی دنیا ممنوعیت ممیزی در مندرجات روزنامه ها و مجله ها و کتاب ها تصریح شده است. برای آشنایی با چگونگی پیش بینی ممنوعیت سانسور از طریق قوانین اساسی، نمونه هایی از قوانین اساسی سایر کشورها ارائه می شود.

- 1 به موجب اصلاحیه ی قانون اساسی ایالات متحده ی امریکا مصوب «1791»، کنگره ی این کشور از وضع هر نوع قانونی که آزادی بیان مطبوعات را محدود کند، ممنوع شده است.
- 2 در فرانسه نیز به دنبال اعلامیه ی حقوق بشر و شهروند، انقلاب کبیر این کشور که ماده - 11 آن آزادی بیان را گرانبهاترین حقوق انسانی شناخته بود؛ در بند دوم باب اول قانون اساسی 22 اگوست «1791»، تأکید گردیده که قانون اساسی، آزادی هر انسان را برای بیان، نگارش، چاپ و انتشار افکار خود به عنوان حقوقی طبیعی و مدنی تضمین می کند؛ بدون آنکه نوشته ها پیش از نشر آنها تحت هیچ گونه سانسور و بازرسی قرار گیرند . در اصل 122 قانون اساسی «1793» جمهوری فرانسه نیز چنین اعلام شده بود : «قانون اساسی، آزادی نامحدود مطبوعات را برای تمام فرانسوی ها تضمین می نماید».
- 3 در اصل 88 قانون اساسی دانمارک، همچنین در ماده 72 قانون اساسی آیسلند، در عباراتی مشابه گفته شده است که : « ... سانسور و سایر اقدامات پیش گیرانه هرگز برقرار نخواهد شد.»
- 4 در کشورهای غربی که قانون اساسی جدید آنها پس از جنگ جهانی دوم تدوین شد نیز بر ممنوعیت سانسور تصریح شده است. ماده ی 21 قانون اساسی جمهوری ایتالیا، پس از یادآوری حق آزادی بیان و اشاره به منع الزام روزنامه ها به کسب اجازه ی انتشار، تأکید کرده است: «... مطبوعات را نمی توان مورد سانسور قرار داد.».

5 قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان هم در بند یکم ماده ی پنجم خود، ضمن شناسایی حق آزادی بیان و تضمین آزادی مطبوعات، اعلام داشته است که در این کشور «... هیچ گونه سانسوری وجود ندارد...».

6 در قانون اساسی ترقی خواهانه ی جدید جمهوری پرتغال نیز به موجب بند دوم ماده ی 37، تأکید گردیده است که «اعمال سانسور در هر شکل و هر نوع آن، برای جلوگیری و محدود کردن حق آزادی بیان و حق کسب اطلاعات ممنوع است».

7 به گفته ی حقوق دان «دکتر حسینی نیک» حقوق دان، همواره در حقوق و علم جامعه شناسی اعتقاد بر این است که قانون گذار یک نهاد حکیم و مصلحت جو است و قانونی ظالمانه و یکطرفه وضع نمی کند. پس باید قانونی در حوزه ی ممیزی وجود داشته باشد که از اعمال سلیقه و برداشت جناح های فکری مختلف در وزارت ارشاد و نهادهای کنترل کننده پرهیز شود.

8 وی می افزاید: «روند قانونگذاری باید به طور کامل انجام شود؛ یعنی با بهره مندی از دانش و تجربه ی کارشناسان حوزه ی مطبوعات از سوی دولت و مجلس و با همکاری ناشران، حقوقدانان و انجمن ها و نهادهای مرتبط، لایحه ای با عنوان «قانون جامع نشر» در مجلس شورای اسلامی مطرح شده و به تصویب برسد. در این شرایط شورای نگهبان، نمایندگان آحاد جامعه و تمامی قومیت ها می توانند نظرا تشان را اعلام کرده و در صورت توافق، قانونی جامع، کامل، محکم و لازم الاجرا تصویب شو د.» (حسینی نیک، 1386: 34).

9 این پژوهشگر رسانه و پژوهنده ی حقوق مالکیت معنوی، در زمینه ی اعمال ممیزی قبل یا پس از چاپ نیز می گوید: «ممیزی در مطبوعات به دلیل نبود زمان کافی برای کاربرد مطالب، پس از چاپ اعمال می شود و قانونگذار از باب اضطرار چاره ای ندارد و باید پس از انتشار، محاکمه ی احتمالی را انجام دهد.» (همان: 35).

به گفته ی حقوق دان «دکتر حسینی نیک» حقوق دان، همواره در حقوق و علم جامعه شناسی اعتقاد بر این است که قانونگذار یک نهاد حکیم و مصلحت جو است و قانونی ظالمانه و یکطرفه

وضع نمی‌کند. پس باید قانونی در حوزه ی ممیزی وجود داشته باشد که از اعمال سلیقه و برداشت جناح‌های فکری مختلف در وزارت ارشاد و نهادهای کنترل‌کننده پرهیز شود. وی می‌افزاید: «روند قانونگذاری باید به طور کامل انجام شود؛ یعنی با بهره‌مندی از دانش و تجربه‌ی کارشناسان حوزه‌ی مطبوعات از سوی دولت و مجلس و با همکاری ناشران، حقوقدانان و انجمن‌ها و نهادهای مرتبط، لایحه‌ای با عنوان «قانون جامع نشر» در مجلس شورای اسلامی مطرح شده و به تصویب برسد. در این شرایط شورای نگهبان، نمایندگان آحاد جامعه و تمامی قومیت‌ها می‌توانند نظراتشان را اعلام کرده و در صورت توافق، قانونی جامع، کامل، محکم و لازم‌الاجرا تصویب شود.» (حسینی نیک، ۱۳۸۶: ۳۴).

این پژوهشگر رسانه و پژوهنده‌ی حقوق مالکیت معنوی، در زمینه‌ی اعمال ممیزی قبل یا پس از چاپ نیز می‌گوید: «ممیزی در مطبوعات به دلیل نبود زمان کافی برای کاربرد مطالب، پس از چاپ اعمال می‌شود و قانونگذار از باب اضطرار چاره‌ای ندارد و باید پس از انتشار، محاکمه‌ی احتمالی را انجام دهد.» (همان: ۳۵).

با اعطای حق نظارت به نهادهای صنفی و تأکید بر آن، علاوه بر اینکه بار سنگینی از دوش دولت برداشته می‌شود، به دلیل تخصص و گاه بی‌طرفی نهادهای صنفی آرای آنان از مقبولیت بیشتری در میان صاحبان آن حرفه برخوردار است؛ برای مثال، همان‌گونه که حکم سازمان نظام پزشکی در مورد سهل‌انگاری و تخلف یک پزشک در انجام وظایف حرفه‌ای، مقبولیت بیشتری از حکم یک قاضی در جامعه‌ی پزشکی دارد، داوری یک تشکّل صنفی خبرنگاری مبنی بر خروج یک خبرنگار از موازین حرفه‌ای پذیرش بیشتری در جامعه‌ی رسانه‌ای دارد تا قضاوت یک نهاد دولتی یا قضایی.

بنابر گزارش مک‌براید، «شوراهای مطبوعاتی و رسانه‌ای» تقریباً در تمام مناطق دنیا وجود دارد. این شوراهای رسانه‌ای برای رسیدگی به موارد نقض اصول اخلاق حرفه‌ای به وجود آمده‌اند، تلاش می‌کنند تا میان شاکی و رسانه توافقی حاصل شود (و تا اندازه‌ی ممکن از قضایی شدن پرونده‌ها

جلوگیری شود). ترکیب اعضای این شوراها گرچه در کشورهای مختلف متفاوت است، اما «معمولاً احساس می شود که یک شورای مطبوعاتی باید از کنترل دولت، آزاد و شامل نمایندگان عامه و نیز مالکین رسانه ها و روزنامه نگاران باشد.» (براید، 1387: 44)

در مجموع باید گفت: «شوراهای مطبوعاتی و رسانه ای در ضمن اینکه به طور چشمگیر متفاوتند، به نظر می رسد دست کم مخرج مشترکی بین آنها وجود داشته باشد؛ به این معنا که هرگاه رسانه ها خودشان در برپایی شوراها ابتکار عمل را به دست می گیرند، این شوراها به مثابه ی محاکم افتخاری، خود انضباطی عمل می کنن. این محاکم به وضوح محاکمی دموکراتیک هستند؛ یعنی همه ی اشخاص حرفه ای قواعد رفتار صنفی را که از سوی اکثریت وضع می شود، رعایت می کنند.» (همان: 48).

نظارت همگانی و همبستگی اجتماعی

یکی از نظریه پردازان ارتباطات اجتماعی، دامنه ی نظارت همگانی را در مطبوعات وسیع قلمداد کرده و شامل نظارت بر محیط پیرامون، همبستگی اجتماعی، محافظت و انتقال میراث فرهنگی می داند. «هارولد لاسول» می نویسد: «هنگامی که مردم ارزیابی درستی از وقایع نداشته باشند، قضاوت ها معمولاً احساسی و غیر قابل پیش بینی می شود. اما تقویت نظارت همگانی از طریق ایجاد نظارت مطبوعاتی و دادن آزادی عمل به مطبوعات، سبب می شود جامعه به مرحله ی قابل قبول از همبستگی اجتماعی برسد و وجدان جمعی در میان شهروندان زنده شود. نظارت بر محیط پیرامونی و محافظت از میراث گذشته ی اجتماعی، از اثرات تقویت نظارت مردمی در یک جامعه است و همین موضوع از تولید فساد اجتماعی جلوگیری می کند.» (لاسول، 1381: 63).

«هارولد لاسول» می نویسد: «ایجاد وحدت جمعی در میان یک ملت به ایجاد شهروندی پویا، فعال و مسئولیت پذیر ختم می شود. چنین شهروندی نه تنها بر محیط پیرامونی خود اشراف دارد، بلکه نسبت به سرنوشت آن حساس است. در هر جامعه ای احتمال انحراف و فساد است. فساد اداری در ادارات دولتی و فساد اقتصادی امریست که حتی پیشرفته ترین کشورهای جهان از آن

مصون نیستند، اما هنگامی که یک وحدت جمعی و افکار عمومی فعال شکل بگیرد، می تواند اجزاء فساد را متلاشی کرده و احتمال وقوع آن را به حداقل برساند.» (همان: 65).

می توان نتیجه گرفت، در هر جامعه ای نظارت همگانی مکمل نظارت دولتی است. نظارت دولتی بر مبنای چارچوب های قانونی که در حیطه ی اختیارات بخش های نظارتی است، تحقق می یابد. چه بسا به دلیل نفوذ زیاد برخی از افراد که خود سر منشأ فساد اداری و اقتصادی هستند، در نهادهای اداری، دستگاه های نظارت قانونی نتوانند به موقع وارد عمل شوند یا به خوبی ابعاد فساد را آشکار سازند.

در این شرایط نظارت مردمی به عنوان مکمل نظارت قانونی وارد عمل می شود و ضمن افشای ابعاد فساد، با ایجاد فشار اجتماعی زمینه را برای دخالت دستگاه های نظارت قانونی فراهم می کند. ضمن اینکه منبع دریافت خبر برخی از دستگاه های نظارت قانونی، برای مقابله با فساد اداری و اقتصادی گزارش های مردمی است؛ بدین صورت که نظارت مردمی به تولید گزارش مردمی ختم می شود و همین گزارش مردمی می تواند، به آغاز تحقیق و بررسی فساد اداری و اقتصادی در دستگاه های نظارت اداری و قضایی بینجامد.

نظارت همگانی و جلوگیری از فساد اداری و اقتصادی

«طباطبایی مؤتمنی» می نویسد: «مطبوعات منعکس کننده ی افکار عمومی اند؛ زیرا وقتی قلم ها شکسته شود، جریان آزاد اطلاعات و آگاهی قطع می شود و افکار عمومی توانایی خود را از درک و قضاوت درست مسائل و اتفاقات جامعه از دست می دهد و زمینه برای رشد خودکامگی و فساد فراهم می شود. مطبوعات در حکم چشم و گوش جامعه هستند؛ وقتی چشم و گوش بسته شود و اطلاع رسانی صحیح در میان نباشد، داوری درست در مورد مسائل صورت نمی گیرد و از همین جا فساد شروع می شود.» (مؤتمنی، 1381: 104).

«طباطبایی مؤتمنی» زمینه‌های فساد اداری و اقتصادی را چنین بر می‌شمرد:

«فساد شاخه‌های زیادی دارد، اما اگر از سوی نهادهای دولتی صورت گیرد و نهادینه شود، به قدرت ویرانگر عظیمی تبدیل می‌شود که هم منابع و سرمایه‌های اجتماعی را نابود می‌کند و هم سبب بی‌اعتمادی، سرخوردگی و بی‌انگیزگی شهروندان می‌شود. امروزه برای فسادهای اداری و اقتصادی شاخص‌هایی وجود دارد، همین طور که برای سلامت اداری و اقتصادی شاخص‌هایی وجود دارد؛ شفافیت، سرعت خدمت به شهروندان، برابری در بهره‌وری از امکانات اقتصادی و اداری، فقدان فضایی برای رشوه‌گیری و رانت خواری شاخص‌هایی هستند که سلامت یا فساد اداری و اقتصادی را مشخص می‌کنند. تجربه نشان می‌دهد که فساد اداری و اقتصادی در سایه‌ی نفوذ در نهادهای اداری شکل می‌گیرد.» (همان: ۸۸).

نظارت مطبوعاتی زمینه ساز نظارت همگانی

قانون اساسی ایران دو نوع نظارت را به رسمیت می‌شناسد: یک نوع نظارت قانونی است که به وسیله‌ی دستگاه‌های اداری مربوطه صورت می‌گیرد؛ و نوع دوم نظارت همگانی و مردمی است که در قالب مطبوعات و رسانه‌ها تحقق می‌یابد. آزادی عمل مطبوعات و کاهش محدودیت‌ها و سلیقه‌ها در امر نظارت بر رسانه، قدرت نظارت مطبوعاتی را در کشور افزایش می‌دهد. آگاه‌سازی و انتقال صحیح اخبار بر پایه‌ی وقایع اجتماعی، به ایجاد افکار عمومی آگاه و مسئولیت‌پذیر در جامعه ختم می‌شود؛ همان افکار عمومی که می‌تواند خواسته‌ی قانون اساسی را در خصوص نظارت همگانی و مردمی محقق سازد.

«محیط طباطبایی» اهمیت نظارت مطبوعاتی را در یک کشور چنین بر می‌شمرد:

1- نظارت مطبوعاتی زمانی ارزش دارد که معیارهای ممیزی و محدودیت ساز، در حداقل میزان خود باشد.

2 - اگر ممیزی بر مطبوعات مکتوب و رسانه‌ای قوی باشد، نمی‌توان به ارزش آفرینی مطبوعات در یک کشور امیدوار بود.

3- نظارت مطبوعاتی، فرهنگ پاسخگویی را در دولت و نهادهای اداری تقویت می‌کند.

4- نظارت مطبوعاتی، به افکار عمومی گزارش می‌دهد و افکار عمومی نسبت به قضایای پیرامونی خود حساس می‌شود.

5- حساسیت افکار عمومی، زمینه را برای مراجعه ی مردم به نهادهای نظارتی دولتی و نهادهای نظارتی مردمی فراهم می‌کند. فشار افکار عمومی تولید شده، خود عاملی بازدارنده برای جلوگیری از تولید فساد اداری، اقتصادی و سیاسی در کشور است.» (همان: 49).

نظارت مطبوعاتی سیر تحول بشر به سوی شهروند مسئولیت پذیر و واقع گرا را محقق می‌سازد. این گفتمان تفاوت میان انسان مدرن و غیر مدرن را مشخص می‌کند؛ زیرا در جامعه ی سنتی، انسان غیر مدرن منفعل و مطیع است؛ اما در جامعه ی توسعه یافته، شهروند دارای حقوق و خصوصیاتی است که یکی از این خصوصیات، حق مشارکت در سرنوشت از طریق نظارت همگانی است.

تعیین مؤلفه‌های جدول‌ها

در این تحقیق، پرسشنامه ها بر اساس مؤلفه هایی تنظیم شده که بر رابطه ی میزان مطالعه ی مطبوعات محلی و تقویت نظارت همگانی شهروندان هرزگانی مؤثر بوده است . هریک از جدول‌ها به یکی از مؤلفه‌های اصلی اختصاص دارد. در هر یک از جدول‌ها میزان میانگین، خطای استاندارد، t و سطح معناداری محاسبه شده و در نهایت، بر اساس سطح معناداری، رابطه ی هر یک از مؤلفه‌ها بر نظارت همگانی شهروندان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

مؤلفه هایی که در جداول این تحقیق بررسی شده‌اند عبارتند از:

1- دریافت اطلاعات مناسب: یکی از مؤلفه ها، بررسی این موضوع بوده که ممیزی حاکم بر مطبوعات محلی استان هرزگان، چه رابطه ای با دریافت صحیح اطلاعات به وسیله ی مخاطبان داشته است.

2-تحلیل درست وقایع : در بررسی این مؤلفه این موضوع قابل توجه بوده است که ممیزی

مطبوعات، با تحلیل صحیح وقایع توسط خوانندگان چه رابطه‌ای دارد؟

3- اطمینان به صحت اخبار: اطمینان از صحت اخبار، در شرایط حاکمیت ممیزی بر مطبوعات

محلی مورد بررسی قرار گرفته است.

4-آگاهی از قوانین: در این مؤلفه بررسی شده است که آیا ممیزی مطبوعات با آگاهی مخاطبان

از قوانین رابطه دارد؟

5- مراجعه به نهادهای نظارتی: در این مؤلفه بررسی شده است که ممیزی حاکم بر مطبوعات،

با انگیزه‌ی شهروندان برای مراجعه به نهادهای نظارتی چه رابطه‌ای دارد؟

6- مراجعه به رسانه های غیر مکتوب : در این مؤلفه بررسی شده است که ممیزی حاکم بر

مطبوعات، با مراجعه به رسانه‌های غیر مکتوب چه رابطه‌ای دارد؟

یافته های استنباطی تحقیق

جدول 1: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر دریافت صحیح اطلاعات جامعه از نظر

خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
تحلیل درست وقایع	3/14	0/175	0/455	0/000

بر اساس جدول شماره «1»، میانگین میزان دریافت اطلاعات صحیح توسط خوانندگان

مطبوعات محلی، چیزی بیشتر از حد متوسط قرار دارد. (3/14)

سطح معناداری در این جدول نشان دهنده ی وجود رابطه است ($P>0/000$). خوانندگان

مطبوعات محلی اعلام کرده‌اند، ممیزی حداقلی بر افزایش آگاهی اطلاعات صحیح آنها موثر بوده و

هرگاه ممیزی بر مطبوعات محلی شدت یافته، دریافت اطلاعات صحیح با مشکل روبرو شده

است.

جدول ۲: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر ارتقاء قدرت تحلیل وقایع از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگی ن	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
تحلیل درست وقایع	13/ 3	123/ 0	227 1/	000/ 0

جدول شماره ی «۲»، نشان دهنده ی میانگین متوسط مؤلفه ی موردنظر است (3/13). بر مبنای این جدول خوانندگان مطبوعات محلی، ممیزی را عاملی برای کاهش قدرت تحلیل خود نسبت به وقایع معرفی کرده اند. سطح معناداری ($P>0/000$) نشان می دهد، میان ممیزی و کاهش تحلیل مخاطبان نسبت به قضایای پیرامونی رابطه هست.

جدول ۳: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر اطمینان عمومی نسبت به صحت اخبار از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
اطمینان به صحت اخبار	45/ 2	007/ 0	271 2/	001/ 0

در جدول شماره ی «۳»، میانگین پایین تر از حد متوسط قرارداد (2/45). سطح معناداری، رابطه ی میان اطمینان نسبت به صحت اخبار و ممیزی را به نحوی آشکار می سازد که مخاطبان این تحقیق، ممیزی حاکم بر مطبوعات را عامل کاهش اعتماد نسبت به صحت اخبار و واقعیت - گویی مطبوعات محلی ارزیابی کرده اند.

جدول ۴: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر آگاهی از قوانین و مقررات عمومی از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میان گین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
آگاهی از قوانین	09 3/	0/14	062 1/	0/412

جدول شماره «4»، میانگین نزدیک به حد متوسط دارد (3/09). این جدول نشان می دهد قانون ممیزی رابطه ای با آگاهی مخاطبان با قوانین و مقررات نداشته است ($P < 0/412$). تحقیق روی مخاطبان نشان می دهد که ممیزی حداقلی و آزادی مطبوعات، عامل تأثیر گذاری برای مراجعه ی مخاطبان به قوانین و مقررات، و آگاهی از این قوانین نبوده است.

جدول 5: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر مراجعه ی شهروندان به نهادهای نظارتی از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
مراجعه به نهادهای نظارتی	11 3/	0/079	933 2/	072 0/

در جدول شماره ی «5»، میانگین نزدیک به حد متوسط است (3/11). این جدول گویای فقدان رابطه در خصوص آزادی مطبوعات و مراجعه به نهادهای نظارتی برای نظارت مخاطبان است ($P < 0/072$). مخاطبان اعلام کرده اند، ممیزی حداقلی مطبوعات انگیزه ای برای همکاری با نهادهای نظارتی، برای تقویت نظارت عمومی و همگانی نبوده است.

جدول 6: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر مراجعه ی شهروندان به رسانه های مجازی، جهت تکمیل نظارت عمومی از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
مراجعه به رسانه های	2/39	045 0/	107 2/	000 0/

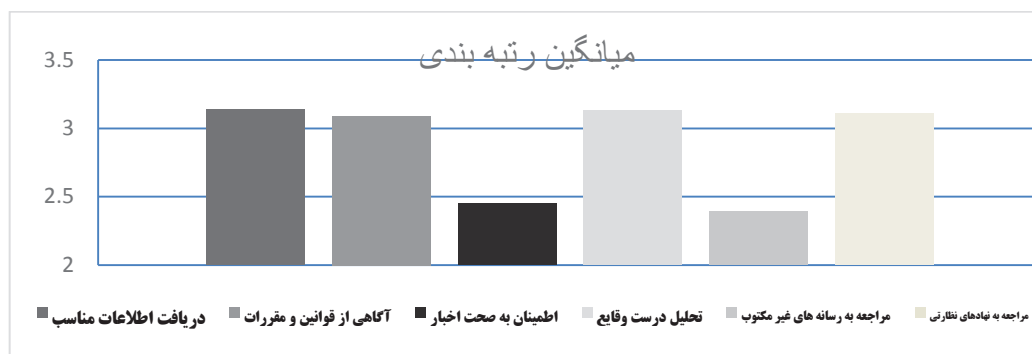
				مجازی
--	--	--	--	-------

در جدول شماره ی «6»، میانگین در حد پایین تر از متوسط قرار دارد (2/39). سطح معنا داری ($P>0/000$) گویای رابطه ی میان مؤلفه ی مورد نظر و افزایش آزادی مطبوعات است. هرچه قوانین ممیزی به سمت آزادی مطبوعات متمایل بوده، مخاطبان برای دریافت اطلاعات تکمیلی به دیگر رسانه‌های غیر مکتوب؛ مثل فضای مجازی مراجعه کرده اند و بُعد انگیزشی پیگیری صحت اخبار و دریافت کامل خبر برای آنها مهم بوده است.

جدول 7: میانگین رتبه بندی تأثیر ممیزی مطبوعات بر مؤلفه های عمومی شهروندان بر اساس نظر خوانندگان مطبوعات محلی

میانگین رتبه بندی	مؤلفه
3/14	دریافت اطلاعات مناسب
3/13	تحلیل درست وقایع
3/11	مراجعه به نهادهای نظارتی
3/09	آگاهی از قوانین و مقررات
2/45	اطمینان به صحت اخبار
2/39	مراجعه به رسانه‌های غیر مکتوب

نمودار 7/1: میانگین رتبه بندی تأثیر ممیزی مطبوعات محلی بر مؤلفه‌های نظارت عمومی



تحلیل جداول و داده ها

بررسی تطبیقی نظریه های علمی ارائه شده در این تحقیق با داده های آماری، گویای ارتباط میان این داده ها و نظریه های علمی در این پژوهش است. تئوری های سرمایه ی اجتماعی از ضرورت ایجاد اعتماد در سطح مخاطبان، برای رسیدن به اهداف بالاتر مثل انسجام اجتماعی حکایت می کند. اصلاح و کارآمدی قوانین در این اعتمادسازی نقش مهمی دارد. طبق داده های جدول «2»، سطح معنا داری ($P > 0/000$) می باشد و هرچه قوانین به آزادی عمل مطبوعات و آزادی اندیشه - ی مخاطبان نزدیک باشد، قدرت تحلیل افراد و اعتماد اجتماعی آنها در جامعه افزایش پیدا می کند. در این تحقیق قوانین مرتبط با ممیزی مطبوعات مورد بررسی قرار گرفت، همچنین مؤلفه هایی که از این قوانین متأثر هستند و بر آگاهی و اعتماد مخاطبان اثر می گذارند نیز به صورت آماری تحلیل شدند. داده های جدول «3»، سطح معناداری ($P > 0/001$) رانشان می دهند. هرگاه توجه به قوانین آزادی مطبوعات و تصویب آن در داخل کشور، بر مبنای استاندارد شناخته شده در جهان بوده، این امر اعتماد اجتماعی را به همراه داشته است. اعتماد اجتماعی زمینه ای برای انسجام اجتماعی بوده و انسجام اجتماعی زمینه ای برای مسئولیت پذیری و نظارت عمومی همگانی در سطح جامعه شده است.

بر مبنای مؤلفه‌ی تعیین شده در جدول «۱»، قانون ممیزی بر مطبوعات هرچند با واسطه بر نظارت همگانی مؤثر است؛ هرچه این قانون به آزادی مطبوعات و احترام حق انتخاب مخاطبان نزدیک‌تر بوده، اصل مسئولیت و نظارت همگانی بیشتر شکل گرفته است ($P > 0/000$). بررسی مؤلفه‌ی جدول «۶»، سطح معنا داری ($P > 0/000$) را نشان می‌دهد و مشخص می‌شود که ممیزی مطبوعات در آگاهی تکمیلی مخاطبان مؤثر بوده است، و تشدید ممیزی عامل بازدارنده‌ای برای مراجعه‌ی رسانه‌های مجازی و برای پیگیری و تکمیل و اطمینان از صحت اخبار و وقایع و احساس مسئولیت نسبت به قضایای اجتماعی بوده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده، می‌توان گفت که نظارت همگانیدر سالم سازی جامعه نقشی انکارناپذیر دارد. نظارت همگانی دارای ابعاد حقوقی است و در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است. نظارت همگانی دارای کارکرد مکملی است و کمک می‌کند تا نظارت قانونی و حاکمیتی بهتر محقق شود؛ لذا این نوع نظارت در قانون اساسی کشور ما مورد حمایت قرار گرفته است.

این تحقیق نشان می‌دهد که دست‌یابی به نظارت همگانی خود نیازمند پیش‌زمینه‌هایی است. کیفیت ممیزی مطبوعات، بر عوامل پایه‌ی مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤثر است و به طور مستقیم و غیر مستقیم بر کیفیت گردش آزادی اطلاعات تأثیر می‌گذارد. بررسی مخاطبان این پژوهش نشان می‌دهد که هرچه امکان آزادی گردش اطلاعات بیشتر باشد، افکار عمومی واقع‌گراتر و مسئولیت‌پذیرتر خواهد بود. در اینجا بحث ممیزی مطبوعات و سانسور و محدودیت‌های قانونی حاکم بر مطبوعات مطرح است، و مهم ایجاد تعادل میان محدودیت‌های قانونی موجود و حفظ فضای آزاد بر مطبوعات است. در نتیجه، قوانین باید به سمتی حرکت کنند که امکان تعادل میان حفظ ارکان نظارتی دستگاه‌های دولتی و آزادی لازم برای ایجاد نظارت همگانی فراهم شود.

نتایج این پژوهش در استان هرمزگان نشان می‌دهد که نگاه حداقلی به ممیزی مطبوعات، نقش مهمی در مسئولیت‌پذیری و تقویت ابعاد نظارت مردمی ندارد. شاخص‌هایی چون تقویت

همبستگی اجتماعی، ایجاد پیوند میان اقشار مختلف مردم، تقویت نظارت همگانی و احساس مسئولیت نسبت به قضایای محیطی، از آثار حاکمیت ممیزی حداقلی حاکم بر مطبوعات محلی استان هرمزگان است.

این تحقیق نشان می‌دهد، با توجه به شاخص‌های مورد نظر هر چه امکان گردش آزاد اطلاعات از سوی مطبوعات محلی بیشتر باشد و این مطبوعات نقش فعال تری در عرصه‌ی اطلاع رسانی ایفا نمایند، آگاهی عمومی مردم بیشتر می‌شود و نسبت به قضایای پیرامون خود با مسئولیت پذیری بیشتری برخورد می‌کنند. خروجی افزایش امکان نظارت عمومی و همگانی که در قانون اساسی ایران نیز به آن اشاره شده، عبارت است از : ایجاد فشار افکار عمومی برای جلوگیری یا محدود سازی امکان بروز فساد اداری و اقتصادی، در مدیریت اداری کشور. امری که می‌تواند میان نقش فعال مطبوعات و مسئولیت پذیری اجتماعی و تحقق هرچه بهتر نظارت همگانی پیوندی ایجاد نماید.

منابع و مأخذ

- آذرنگ، عبدالحسین (1389)، «سانسور»، رسانه مجله مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال ششم، شماره‌ی دوم.
- بدیعی، نعیم و قندی، حسین (1383) روزنامه نگاری نوین، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- براتی، حسینعلی (1384)، روانشناسی مطالعه، تهران: انتشارات پیام علوی.
- ذاکر، عبدالله (1383)، «گاندی و اندیشه‌های روزنامه نگاری»، رسانه مجله مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال دوازدهم، شماره دوم.
- شفیقی، محمد (1383)، «جنگ در رسانه های آمریکا»، رسانه مجله مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال سیزدهم، شماره دوم.
- معمدنژاد، کاظم (1386)، وسایل ارتباط جمعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- _____ (1386)، «بازاندیشی نقش اجتماعی وسایل ارتباط جمعی»، رسانه مجله مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، شماره اول . میشل، فاوست (1386)، آسیب‌های سانسور، ترجمه بهروز بامداد، تهران: چند سویه.

<http://www.rasanehiran.com/vdcht6nzd23nm.ft2.html>

<http://bonyadhomayoun.com/?p=822>

<http://ertebatat85.blogfa.com/post-57.aspx>